

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی مولفه های معنای زندگی از دیدگاه مولوی و ویکتور امیل فرانکل

محل انتشار:

نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

اسماعیل احمدی - کارشناسی ارشد ادبیات از دانشگاه ولیعصر رفسنجان

خلاصه مقاله:

معنای انسان و زندگی، مسئله ای که همواره فکر انسان را به خود مشغول کرده است. مذاهب و مکاتب مختلف انسان شناسی و روانشناسی آمده اند تا با ارائه ی راهکار و روشهای خود، انسان را در یافتن بهترین و کاملترین پاسخ به این معما یاری کنند. درک اشتباه از این مسئله و عدم آگاهی از این معما، باعث خلأ وجودی و پوچی میشود که این خود باعث بروز بسیاری از مشکلات و بیماریهاست. از بین نظریه ها و دیدگاه های موجود درباره معنای زندگی، یکی از مهمترین نظریه ها، نظریه معنادرمانی (لوگوتراپی) ویکتور فرانکل ۱ است. وی بر این باور است که "تلاش برای یافتن معنا در زندگی اساسیترین نیروی محرکه ی هر فرد در دوران زندگی اوست". مولوی نیز در آثار خود از معنای انسان و اهمیت آگاهی و جستجوی این معنا سخن میگوید. در این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی، مولفه های معنادرمانی از منظر مثنوی و اندیشه های ویکتور فرانکل مطرح میگردد و راهکارهای این دو متفکر برای دستیابی به مناسب ترین پاسخ به مسئله معنای زندگی، مورد بررسی قرار می گیرد. یافته های پژوهش نشان میدهد که زندگی و مرگ، رنجها و شکستها نه تنها پوچ و بی معنا نیستند بلکه حامل معنایی اند که هر انسان باید خود به تنهایی آنها را دریافت و طبق آن معانی و لاگوها در طول حیات خود با مسائل زندگی برخورد کند. همچنین بیشتر مولفه های کتاب معنادرمانی قابل مقایسه با کتاب مثنوی است که مهمترین آنها عبارتند از: کار، تجربه شگفتیهای طبیعت و فرهنگ، عشق، رنج.

کلمات کلیدی:

معنادرمانی، جاودانگی، مرگ، مثنوی، فرانکل.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1245491>

